

زیرشاخص شامل توسعه بخش بانکی، توسعه بخش مالی غیربانکی، ابزارهای سیاست پولی، نظارت و مقررات بانکی، «باز بودن بخش مالی^(۳)» و محیط نهادی را جهت تعیین درجه توسعه مالی معرفی کرده و مورد استفاده قرار می‌دهند.

اعمال مقررات و نظارت بانکی معمولاً بر عهده بانک مرکزی است و می‌توان آن را به سه بخش «اعطای مجوز فعالیت^(۳)»، «تدوین و ابلاغ مقررات^(۴)» و «اعمال نظارت بر اجرای مقررات ابلاغی^(۵)» تقسیم کرد.

باز بودن بخش مالی یا «آزادسازی مالی^(۶)» و به عبارت دیگر رفع محدودیت‌ها و کاهش کنترل بر معاملات مالی از جمله اقداماتی است که همواره به عنوان بخشی از برنامه‌های گسترده اصلاحات ساختاری کشورها در بخش‌های گوناگون مورد توجه بوده است.

محیط نهادی اقتصاد نیز در تعیین توسعه مالی کشور نقش مهمی دارد؛ زیرا ساختار مالی، مجموعه‌ای از قراردادهای است که به وسیله حقوق قانونی و مکانیزم‌های اجباری، کارایی کمتر یا بیشتری می‌یابند. از این دیدگاه، یک سیستم قانونی با کارکرد صحیح، عملیات هر سیستم مالی را تسهیل می‌کند.

براساس دیدگاه‌های نظری و تجربی موجود، سیستم‌های مالی توسعه‌یافته از طریق کاهش هزینه‌های نظارت، معاملات و اطلاعات، نقشی اساسی در بهبود وظیفه واسطه‌گری مالی ایفا می‌کنند.

نظام‌های مالی کارآمد با شناسایی و تامین مالی فرصت‌های مناسب کسب و کار، تجهیز پس‌اندازها، پوشش و متنوع‌سازی ریسک و همچنین تسهیل مبادلات کالاها و خدمات موجب گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌گردند. از سوی دیگر، افزایش کارایی در سیستم مالی در نهایت با بهبود تخصیص منابع، ارتقای سرمایه‌گذاری و تسریع در انباشت سرمایه، موجبات رشد بالاتر اقتصادی را فراهم می‌آورد^(۱).

همچنین، سیستم‌های مالی کارآمد موانع تامین مالی خارجی را کاهش داده و با تسهیل شرایط دسترسی واحدهای تولیدی و صنعتی به سرمایه‌های خارجی، زمینه گسترش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بیشتر را فراهم می‌سازند.

نکته مهمی که باید بدان توجه شود این است که شاخص‌های سنتی توسعه مالی نظیر عمق مالی، سرکوب مالی و سهم بخش غیردولتی از کل تسهیلات بانکی ممکن است موجب گمراهی در تعیین درجه توسعه‌یافتگی مالی کشورها شود. بدین منظور، اکثر مطالعات تجربی جدید، شاخصی ترکیبی از چند

۲- Financial openness

۳- Licensing

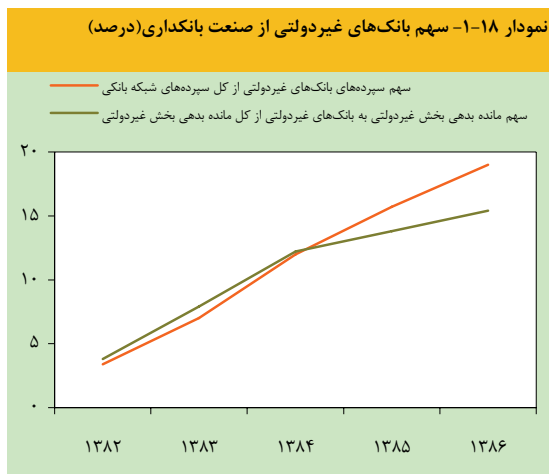
۴- Regulation

۵- Supervision

۶- Financial liberalization

۱- Creane, S., Rishi Goyal, A., Moshfigh, M. and Randa, S., ۲۰۰۴, "Financial Sector Development in the Middle East and North Africa", IMF Working Paper, ۰۴/۲۰۱ (Washington: International Monetary Fund)

به ۱۹/۰ درصد رسید. افزایش این نسبت نشان‌دهنده موفقیت بانک‌های مزبور در جلب اعتماد عمومی و جذب سپرده‌های بخش غیردولتی است. عامل عمده افزایش این سهم و روند رو به تزاید آن را می‌توان بالاتر بودن نرخ سود (علی‌الحساب) سپرده‌های این بانک‌ها در مقایسه با بانک‌های دولتی، افزایش اعتماد عمومی و همچنین افت شاخص‌های بورس دانست. همچنین سهم مانده بدهی بخش غیردولتی به بانک‌های غیردولتی از کل مانده بدهی بخش غیردولتی نیز از ۳/۸ درصد در پایان سال ۱۳۸۲ به ۱۵/۴ درصد در پایان سال ۱۳۸۶ افزایش یافت.



۱۸-۱-۲- سهم بخش غیردولتی از تسهیلات بانکی

سهم اعتبارات اعطایی به بخش غیردولتی از کل اعتبارات اعطایی، یکی از شاخص‌هایی است که در بسیاری از مطالعات برای اندازه‌گیری توسعه مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مبنای استفاده از این شاخص آن است که در شرایط اعطای تسهیلات مبتنی بر مکانیزم عرضه و تقاضا، هرچه نظام مالی سهم بیشتری از اعتبارات را به سمت بخش غیردولتی هدایت کند، در کارکردهای خود از قبیل ارزیابی مدیران، انتخاب

در این فصل به دلیل کیفی بودن مولفه‌های توضیح‌دهنده توسعه مالی و نیز محدود بودن اطلاعات در ابعاد مقررات و نظارت بانکی، باز بودن حساب سرمایه و محیط نهادی تنها مولفه‌های توضیح‌دهنده ابعاد توسعه بخش بانکی، توسعه بخش مالی غیربانکی و توسعه پولی و کیفیت سیاست‌گذاری پولی اندازه‌گیری شده و روند زمانی آنها برای دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۸-۱-۱- توسعه بخش بانکی

توسعه بخش بانکی را که یکی از ابعاد مهم توسعه مالی است می‌توان به وسیله مولفه‌های توضیح‌دهنده زیر بیان نمود:

۱۸-۱-۱-۱- سهم بخش غیردولتی در صنعت بانکداری کشور

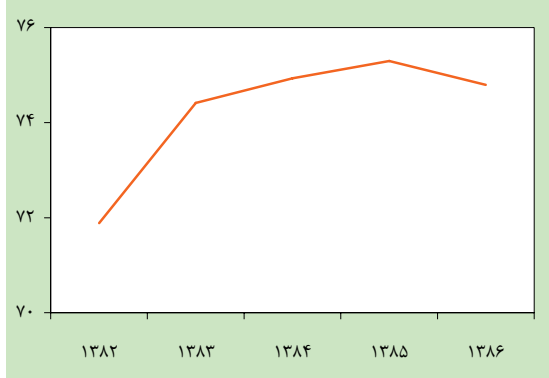
به منظور شاخص‌سازی میزان حضور بانک‌های غیردولتی در صنعت بانکی کشور، می‌توان از سهم سپرده‌ها و اعتبارات اعطایی توسط این بانک‌ها از متغیرهای متناظر در شبکه بانکی استفاده نمود. بدین منظور، در این بخش از نسبت سپرده‌های غیردولتی موجود در بانک‌های غیردولتی به کل سپرده‌های بخش غیردولتی در شبکه بانکی و نیز سهم مانده بدهی بخش غیردولتی به بانک‌های غیردولتی از کل مانده بدهی بخش غیردولتی استفاده شده است.

سهم سپرده‌های بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری غیربانکی^(۱) در سال ۱۳۸۲، ۳/۴ درصد بوده است که این سهم با افزایش تعداد بانک‌های مذکور و گسترش فعالیت آنها به تدریج افزایش یافت، به طوری که در پایان سال ۱۳۸۶

۱- از بهمن ۱۳۸۴، شامل بانک پاسارگاد و از شهریور ۱۳۸۵، شامل بانک سرمایه می‌باشد.

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۶

نمودار ۱۸-۳- نسبت دارایی بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی
به دارایی سیستم بانکی (درصد)



۱۸-۱-۴- نسبت ذخایر بانکها و موسسات اعتباری به

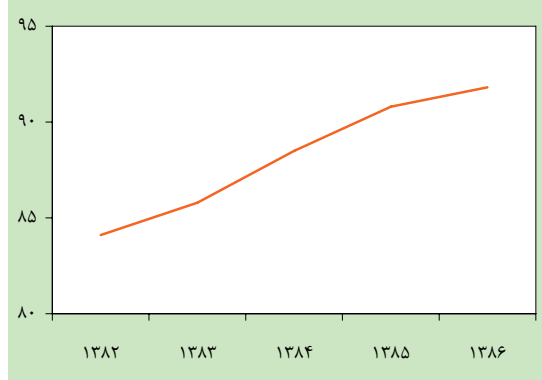
مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی

این مولفه حاصل تقسیم مجموع ذخایر اضافی و قانونی بانکها و موسسات اعتباری نزد بانک مرکزی و نیز وجوه نقد موجود در صندوق آنها بر مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی است. نسبت مزبور منعکس کننده میزان منابع بانکها برای خلق اعتبار و توانایی آنها در اعطای تسهیلات بانکی است. با کاهش ذخایر بانکها نزد بانک مرکزی، توانایی آنها در اعطای تسهیلات بیشتر خواهد شد. کاهش نسبت مذکور از ۱۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۱۶/۶ درصد در سال ۱۳۸۳ نشان دهنده توانایی بیشتر شبکه بانکی در تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی و ارائه تسهیلات اعتباری بوده است. نسبت مذکور به دلیل افزایش سپرده ویژه یکی از بانکها نزد بانک مرکزی در سال ۱۳۸۴ به ۱۹/۵ درصد افزایش یافت، لیکن در پایان سال ۱۳۸۵ به ۱۷/۹ درصد کاهش و سپس مجدداً در سال ۱۳۸۶ به ۱۸/۳ درصد افزایش یافت.

طرح‌های سرمایه‌گذاری، پرداختن به مدیریت ریسک و ارائه خدمات مالی موفق‌تر عمل می‌کند.

برای ارزیابی چگونگی هدایت اعتبارات به بخش‌های دولتی و غیردولتی، از سهم مانده بدهی بخش غیردولتی^(۱) به بانکها از کل مانده بدهی بخش دولتی و غیردولتی استفاده می‌شود. روند صعودی این نسبت نشان دهنده افزایش سهم بخش غیردولتی از تسهیلات بانکی طی سال‌های اخیر است. نسبت مذکور از ۸۴/۱ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۹۱/۸ درصد در پایان سال ۱۳۸۶ افزایش یافت.

نمودار ۱۸-۲- سهم مانده بدهی بخش غیردولتی به بانکها
از کل مانده بدهی بخش دولتی و غیردولتی (درصد)



۱۸-۱-۳- نسبت دارایی بانکها و موسسات اعتباری به

دارایی سیستم بانکی

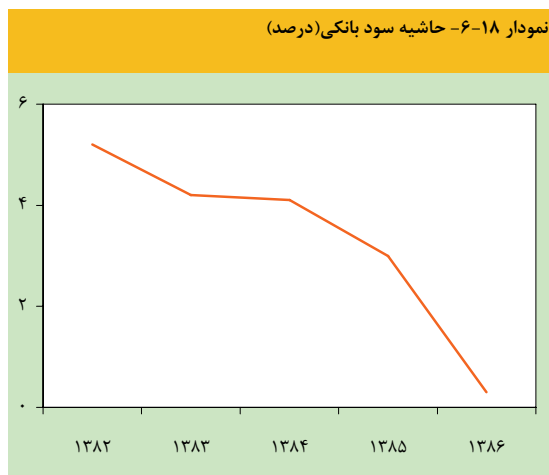
این مولفه نشان دهنده اهمیت نسبی موسسات مالی سپرده‌پذیر می‌باشد. شاخص متناظر با مولفه مذکور، سهم دارایی‌های داخلی بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی از کل دارایی‌های سیستم بانکی است. نسبت مزبور از ۷۱/۹ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۷۴/۸ درصد در سال ۱۳۸۶ افزایش پیدا کرد.

۱- مانده بدهی بخش غیردولتی و دولتی با محاسبه سود و درآمد سال‌های آتی در نظر گرفته شده است.

۱۸-۱-۶- حاشیه سود بانکی

تفاوت نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی که حاشیه سود بانکی^(۱) نامیده می‌شود، یکی از معیارهای ارزیابی کارایی و سودآوری در شبکه بانکی است. البته بالا یا پایین بودن آن به تنهایی نمی‌تواند شاخصی برای ارزیابی کارآمدی و کارایی شبکه بانکی باشد.

نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و نیز نرخ سود تسهیلات در بخش‌های مختلف متفاوت می‌باشد. لذا از تفاوت نرخ موزون سود علی‌الحساب سپرده‌های مدت‌دار و نرخ موزون سود تسهیلات در بانک‌های دولتی برای محاسبه حاشیه سود بانکی استفاده شده است. حاشیه سود بانکی طی دوره مورد بررسی با روندی نزولی از ۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۰/۳ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافت^(۲). علت این امر کاهش دستوری نرخ سود تسهیلات بانکی است.



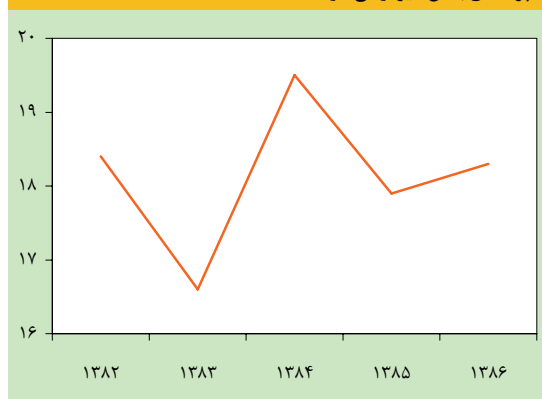
۱۸-۱-۷- ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی

ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی ترکیبی از ارزش افزوده بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی،

۱- Bank Spread

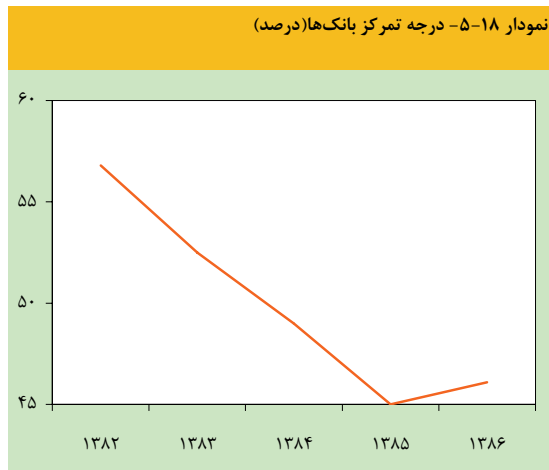
۲- شایان ذکر است حاشیه سود با لحاظ نرخ سود تسهیلات عقود مبادله‌ای محاسبه شده است.

نمودار ۱۸-۴- نسبت ذخایر بانک‌ها و موسسات اعتباری به مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی (درصد)



۱۸-۱-۵- درجه تمرکز بانک‌ها

یکی از شاخص‌های درجه تمرکز در بخش بانکی، سهم سپرده‌های سه بانک اول- که بیشترین سهم سپرده‌ها را در شبکه بانکی دارا می‌باشند- از کل سپرده‌های بخش غیردولتی در شبکه بانکی می‌باشد. بالا بودن درجه تمرکز می‌تواند نشان‌دهنده عدم رقابت و ناکارایی در شبکه بانکی باشد. روند کاهشی درجه تمرکز بانک‌ها از ۵۶/۸ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۴۶/۱ درصد در سال ۱۳۸۶ نشان‌دهنده تقویت فضای رقابتی در صحنه بانکداری کشور طی سال‌های اخیر عمدتاً به دلیل ورود بانک‌های غیردولتی به صحنه فعالیت‌های بانکی است.



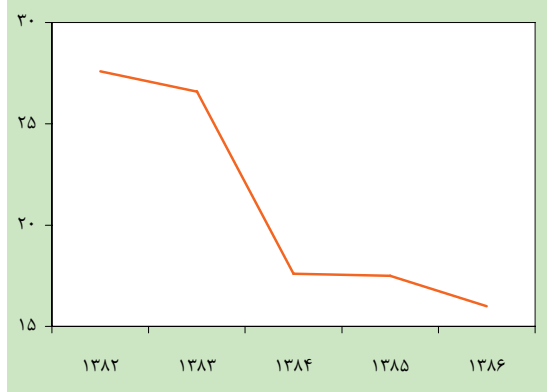
گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۶

۱۸-۲-۱- نسبت ارزش جاری بازار سهام به تولید

ناخالص داخلی

نسبت ارزش جاری بازار سهام به تولید ناخالص داخلی^(۱) کشور به عنوان شاخص اندازه بازار سهام به کار می‌رود. ارقام موجود نشان‌دهنده کاهش این شاخص طی سال‌های اخیر است. شاخص مذکور در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ به ترتیب ۲۷/۶ و ۲۶/۶ درصد بوده و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ۱۷/۶ و ۱۷/۵ درصد کاهش یافت. این نسبت در سال ۱۳۸۶ به ۱۶/۰ درصد کاهش یافت.

نمودار ۱۸-۸- نسبت ارزش جاری بازار سهام به تولید ناخالص داخلی (درصد)

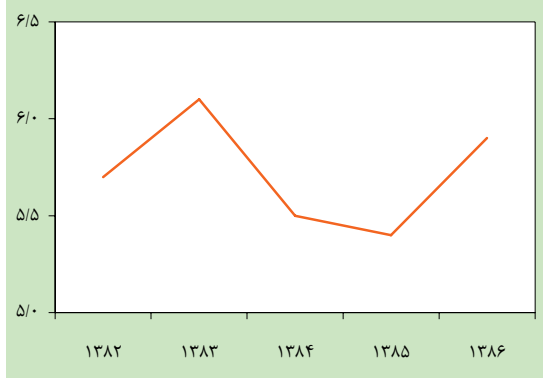


۱۸-۲-۲- نسبت ارزش معاملات به تولید ناخالص داخلی

نسبت ارزش سهام مبادله شده^(۲) به تولید ناخالص داخلی، توانایی خرید و فروش آسان اوراق بهادار را نشان می‌دهد و بیان دیگری از عمق بازار مالی مبتنی بر اوراق بهادار (سهام) در کشور می‌باشد. هر قدر این نسبت بزرگ‌تر باشد، به همان نسبت مبادله اوراق بهادار آسان‌تر انجام می‌گیرد. نسبت مذکور از ۵/۹ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت و در سال ۱۳۸۴ به ۳/۰ درصد کاهش یافت. کاهش ناگهانی این

ارزش افزوده خدمات بیمه‌ای و همچنین ارزش افزوده واسطه‌گری مالی (بورس اوراق بهادار) است. از آنجا که حدود ۸۵ درصد ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی شامل ارزش افزوده ایجاد شده توسط بخش بانکی است، می‌توان از نسبت ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی به ارزش افزوده بخش خدمات به عنوان شاخصی از گسترش خدمات بخش بانکی در اقتصاد استفاده نمود. این نسبت از ۵/۷ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۶/۱ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۵/۵ و ۵/۴ درصد سقوط کرد. نسبت مذکور در سال ۱۳۸۶ مجدداً به ۵/۹ درصد افزایش یافت.

نمودار ۱۸-۷- سهم ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی از ارزش افزوده بخش خدمات (درصد)



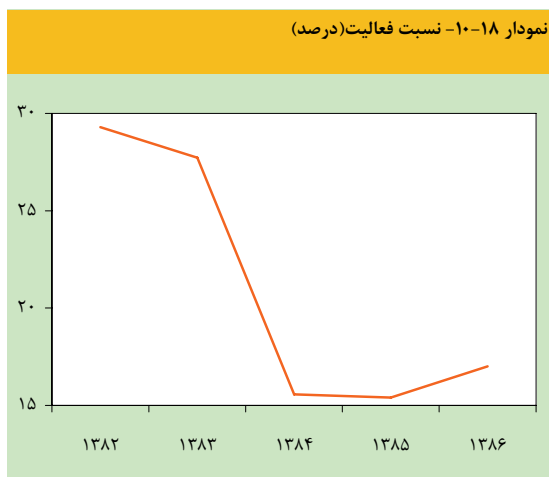
۱۸-۲- توسعه بخش مالی غیربانکی

بخش مالی غیربانکی، فعالیت بازار سهام، روش‌های تامین مالی غیربانکی مسکن و سایر نهادهای مالی مانند صندوق‌های بازنشستگی، بیمه و لیزینگ را شامل می‌شود. به دلیل فعالیت محدود برخی از این موسسات و نیز عدم وجود داده‌های مناسب، در این بخش تنها به بررسی شاخص‌های توسعه وضعیت بورس اوراق بهادار تهران و همچنین صنعت بیمه پرداخته می‌شود.

۱- Market Capitalization to GDP Ratio

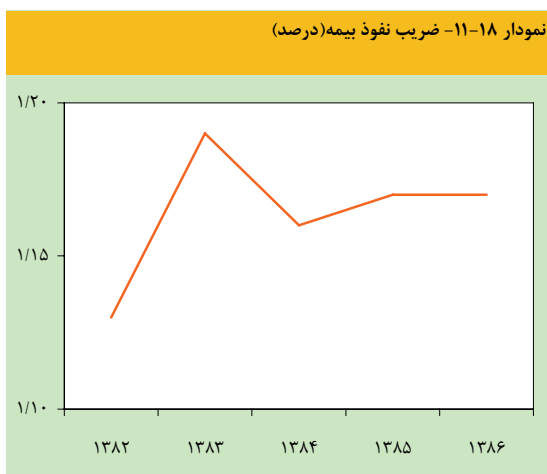
۲- Value-traded Ratio

۱۳۸۵ موجب کاهش مجدد نسبت مزبور به رقم ۱۵/۴ درصد گردید. در سال ۱۳۸۶، نسبت مذکور به ۱۷/۰ درصد افزایش یافت.



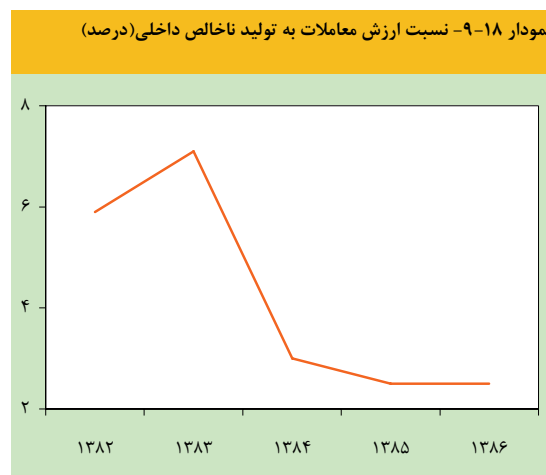
۱۸-۲-۴- نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی

نسبت حق بیمه تولیدی شرکت‌های بیمه به تولید ناخالص داخلی که اصطلاحاً ضریب نفوذ بیمه^(۱) نامیده می‌شود، یکی از شاخص‌های توسعه بازار بیمه است. نسبت مزبور از ۱/۱۳ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۱/۱۹ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت و سپس در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۱/۱۶ و ۱/۱۷ درصد کاهش یافت. این رقم در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۸۵ تغییری نداشت.



۱- Insurance Penetration

نسبت در سال ۱۳۸۴ ناشی از کاهش ارزش معاملات بورس اوراق بهادار از ۱۰۳/۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به ۵۶/۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ بوده است. کاهش بیشتر ارزش معاملات بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۸۵ به همراه افزایش تولید ناخالص داخلی جاری موجب کاهش نسبت مزبور به ۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ گردید. نسبت مذکور در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال ۱۳۸۵ تغییر نیافت و در سطح ۲/۵ درصد باقی ماند.



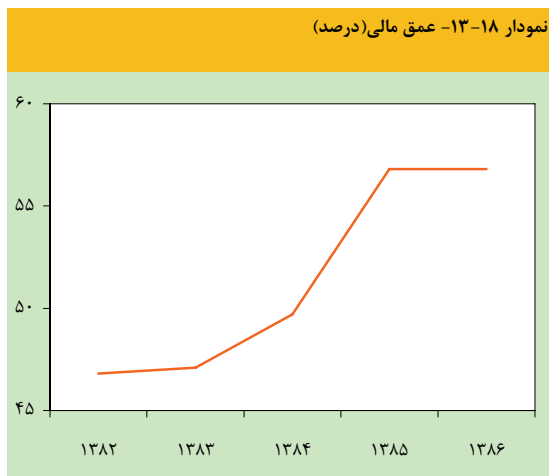
۱۸-۲-۳- نسبت ارزش سهام مبادله شده به متوسط

ارزش جاری بازار

این نسبت که اصطلاحاً نسبت فعالیت نامیده می‌شود، سطح مبادله اوراق بهادار را نسبت به اندازه بازار اوراق بهادار اندازه‌گیری می‌کند. درجه فعالیت بورس در ارتباط با حجم سهام مبادله شده در مقایسه با ارزش جاری بالقوه سهام شرکت‌های عضو بورس توسط این نسبت نشان داده می‌شود. بالاترین میزان این نسبت طی سال‌های اخیر، در سال ۱۳۸۲ و در سطح ۲۹/۳ درصد بوده است. نسبت مزبور در سال ۱۳۸۳ با اندکی کاهش مواجه شد و سپس با کاهشی قابل ملاحظه در سال ۱۳۸۴ به ۱۵/۶ درصد رسید. کاهش نسبت مذکور در سال ۱۳۸۴ ناشی از کاهش شدید ارزش معاملات بورس اوراق بهادار به میزان ۴۵/۵ درصد در این سال نسبت به سال ۱۳۸۳ بوده است. کاهش ارزش معاملات سهام در سال

گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۶

واسطه‌گری مالی است. بر مبنای تعریف ارائه شده، شاخص عمق مالی در اقتصاد ایران در دوره زمانی ۸۶-۱۳۸۲ دارای روندی به شکل نمودار زیر می‌باشد. شاخص مذکور با روندی صعودی از ۴۶/۸ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۵۶/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش^(۱) یافت و در سال ۱۳۸۶ در همان حد باقی ماند.



۱۸-۳-۲- مانده اوراق مشارکت فروخته شده توسط

بانک مرکزی به پایه پولی

هدف از انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی، توسعه عملیات بازار باز و اجرای سیاست‌های پولی از طریق کنترل پایه پولی و نقدینگی می‌باشد. با این هدف انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی از اواخر سال ۱۳۷۹ در کشور آغاز شد.

نسبت مانده اوراق مشارکت فروخته شده بانک مرکزی به پایه پولی شاخصی از گسترش سیاست‌های پولی غیر مستقیم است. شاخص مذکور در سال ۱۳۸۲ معادل ۱۲/۹ درصد بود. این شاخص در سال ۱۳۸۳ اندکی افزایش یافت ولی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۴/۹ و ۷/۹ درصد سقوط کرد. کاهش نسبت مذکور در سال ۱۳۸۴

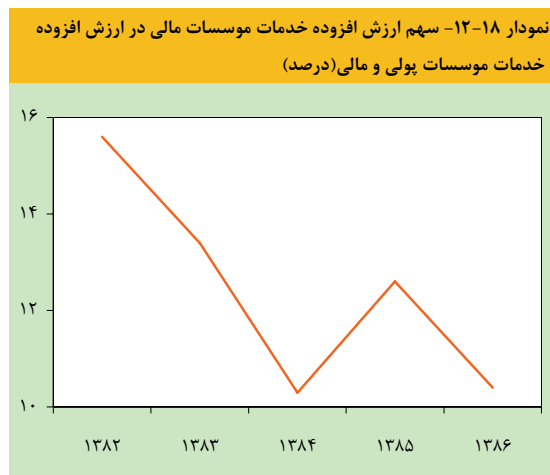
۱- ممکن است این شاخص در بعضی از کشورها و از جمله ایران (به علت سهم بالای پایه پولی در نقدینگی) معیار درستی برای اندازه‌گیری توسعه مالی نباشد.

۱۸-۲-۵- سهم ارزش افزوده خدمات موسسات مالی در

ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی

ارزش افزوده خدمات موسسات مالی شامل ارزش افزوده ایجاد شده توسط شرکت‌های بیمه و ارزش افزوده ایجاد شده خدمات واسطه‌گری مالی (بورس اوراق بهادار) است. سهم ارزش افزوده بیمه و بورس در کل ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی نشان‌دهنده سهم موسسات مالی غیربانکی در ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی است.

نسبت مذکور طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ با نوساناتی که داشته است از ۱۵/۶ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش و سپس به ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت. این متغیر در سال ۱۳۸۶ مجدداً به ۱۰/۴ درصد کاهش یافت.

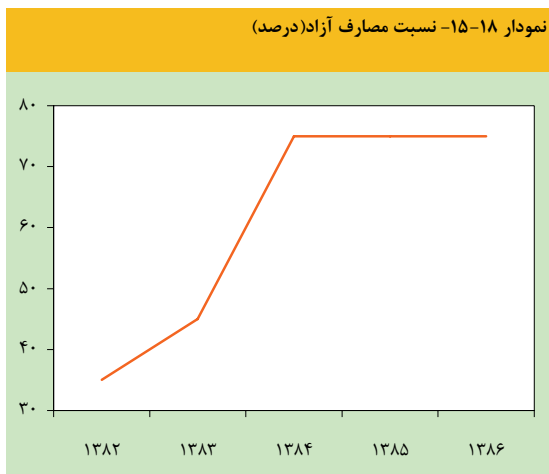


۱۸-۳-۱- توسعه پولی و کیفیت سیاست‌گذاری پولی

در بعد سوم از ابعاد توسعه مالی، شاخص‌های مربوط به نقش سیاست‌های پولی در توسعه مالی بررسی می‌شوند.

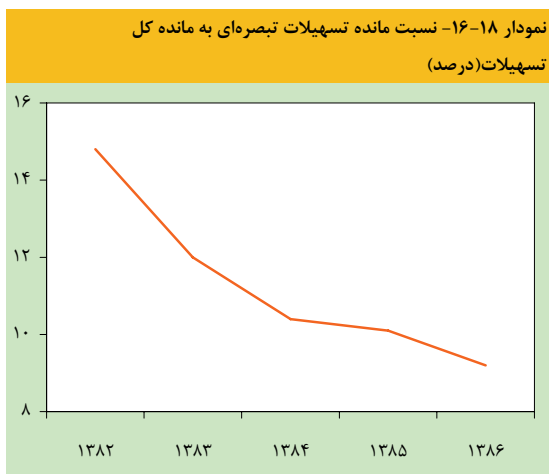
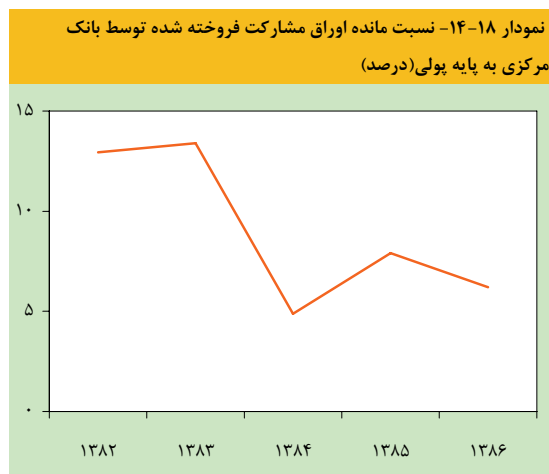
۱۸-۳-۱- عمق مالی

نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی جاری، معیار رایجی برای سنجش عمق سیستم مالی و اندازه بخش



ناشی از کاهش رقم اوراق مشارکت فروخته شده بانک مرکزی از ۲۰/۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به ۱۰/۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ در کنار رشد مستمر پایه پولی بود که نشان‌دهنده مشکلات موجود در ارتباط با انتشار این اوراق است. افزایش مانده اوراق مشارکت فروخته شده به رقم ۲۲/۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ موجب افزایش نسبت مزبور به ۷/۹ درصد در این سال گردید؛ لیکن با وجود رشد اندک اوراق مشارکت فروش رفته بانک مرکزی، نسبت مذکور به دلیل افزایش پایه پولی مجدداً به رقم ۶/۲ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافت.

علاوه بر نسبت مصارف آزاد، برای نشان دادن میزان کنترل اعتبارات توسط دولت، می‌توان از نسبت مانده تسهیلات تبصره‌ای^(۱) به مانده کل تسهیلات نیز استفاده نمود^(۲). از آنجا که کنترل اعتبارات یکی از موانع تخصیص بهینه منابع و توسعه مالی است، کاهش این نسبت نشان‌دهنده توسعه مالی بیشتر است. نسبت مزبور از ۱۴/۸ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۹/۲ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافت.



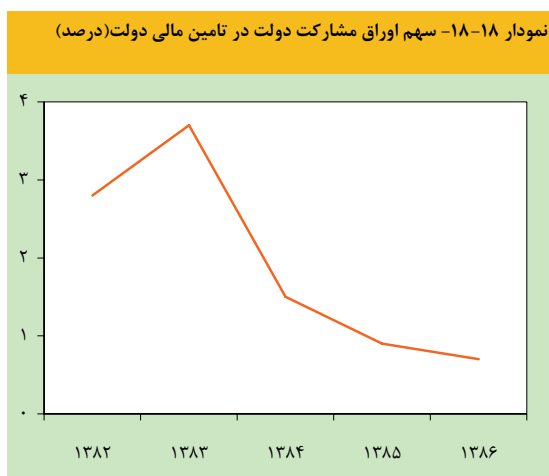
۱۸-۳-۳- کنترل اعتبارات

کنترل اعتبارات یکی از ابزارهای دیگر اجرای سیاست پولی در جهت تاثیرگذاری بر بخش واقعی اقتصاد است. سیاست‌گذاری اعتباری با هدایت اعتبارات به سمت بخش‌های خاص قادر به اعمال تاثیراتی بر نرخ رشد آنها می‌باشد. نسبت مصارف آزاد به عنوان یکی از شاخص‌های کاهش کنترل مستقیم اعتبارات در بعد سیاست‌گذاری پولی در دوره مورد بررسی با روندی صعودی و نرخ فزاینده از ۳۵ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۷۵ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافت. این نسبت در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ بدون تغییر باقی ماند.

۱- منظور از تسهیلات تبصره‌ای، تسهیلاتی است که بانک‌ها مکلفند براساس تبصره‌های قانون بودجه پرداخت نمایند. شایان ذکر است ارقام ارائه شده در گزارش، براساس سرفصل‌های دفاتر کل بانک‌ها می‌باشد که علاوه بر تسهیلات تبصره‌ای شامل اجزای دیگر مانند سود و درآمد سال‌های آتی نیز می‌باشد.
 ۲- این نسبت از تقسیم تسهیلات اعطایی تبصره‌ای بانک‌های دولتی به بخش‌های دولتی و غیردولتی به بدهی بخش‌های دولتی و غیردولتی (با سود و درآمد سال‌های آتی) به بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی (به شکل درصد) به دست آمده است.

۱۸-۳-۵- اوراق مشارکت دولتی

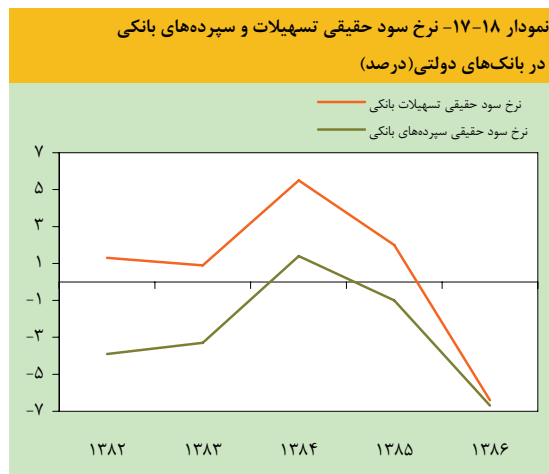
به منظور استفاده از ابزارهای مالی جدید و تامین مالی طرح‌های سودآور، استفاده از اوراق مشارکت دولتی از سال ۱۳۷۶ آغاز شد. به منظور تبیین اثر این سیاست، از سهم اوراق مشارکت دولتی- بودجه‌ای فروش رفته در هر سال در تامین مالی دولت^(۱) استفاده می‌شود. نسبت مذکور از ۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۳/۷ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش و سپس با روند نزولی به ۰/۷ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافت.



در جدول ذیل مولفه‌های توضیح‌دهنده توسعه مالی در ابعاد سه‌گانه توسعه بخش بانکی، توسعه بخش مالی غیربانکی و توسعه بخش پولی و کیفیت سیاست‌گذاری پولی، شاخص‌های متناظر با مولفه‌های مذکور و نیز متوسط نرخ رشد سالانه هر مولفه در دوره زمانی ۸۶-۱۳۸۲ نشان داده شده است:

۱۸-۳-۴- آزادی نرخ سود

برای تبیین مولفه آزادی نرخ سود، تحولات نرخ سود حقیقی تسهیلات و سپرده‌های بانکی در بانک‌های دولتی در نظر گرفته می‌شود. نرخ سود حقیقی مثبت نشان‌دهنده آزادی بیشتر نرخ سود می‌باشد. نرخ سود حقیقی تسهیلات بانکی (عقود مبادله‌ای) در بانک‌های دولتی پس از یک دوره کاهش از ۱/۳ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۳، به رقم ۵/۵ درصد در سال ۱۳۸۴ افزایش یافت. نرخ مذکور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به ترتیب به ۲ و ۶/۴- درصد کاهش یافت. نرخ سود حقیقی سپرده‌های بانکی در بانک‌های دولتی نیز که در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ منفی بود، به رقم ۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۴ رسید. نرخ مزبور مجدداً در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به ترتیب به ۱/۰- و ۶/۷- درصد کاهش یافت.



۱- منظور منابع/ مصارف بودجه دولت است.

جدول ۱۸-۱- مولفه‌های توسعه مالی

متوسط نرخ رشد سالانه (۱) (۱۳۸۱-۸۶)	سال					
	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	
مولفه‌های توسعه بخش بانکی						
۶۴/۰	۱۹/۰	۱۵/۷	۱۲/۰	۷/۰	۳/۴	سهام سپرده‌های بانک‌های غیردولتی از کل سپرده‌های شبکه بانکی
						سهام مانده بدهی بخش غیردولتی به بانک‌های غیردولتی
۶۵/۹	۱۵/۴	۱۳/۸	۱۲/۲	۷/۹	۳/۸	از کل مانده بدهی بخش غیردولتی
۲/۴	۹۱/۸	۹۰/۸	۸۸/۵	۸۵/۸	۸۴/۱	سهام مانده بدهی بخش غیردولتی به بانک‌ها از مانده بدهی کل
۱/۹	۷۴/۸	۷۵/۳	۷۴/۹	۷۴/۴	۷۱/۹	نسبت دارایی بانکی و موسسات اعتباری به دارایی سیستم بانکی
-۳/۸	۱۸/۳	۱۷/۹	۱۹/۵	۱۶/۶	۱۸/۴	نسبت ذخایر بانکی به مجموع سپرده‌های بخش غیردولتی
-۴/۷	۴۶/۱	۴۵/۰	۴۹/۰	۵۲/۵	۵۶/۸	درجه تمرکز بانکی
-۴۴/۹	۰/۳	۳/۰	۴/۱ ^(۳)	۴/۲	۵/۲	حاشیه سود بانکی (۲)
						سهام ارزش افزوده خدمات موسسات پولی و مالی در
۶/۴	۵/۹	۵/۴	۵/۵	۶/۱	۵/۷	ارزش افزوده بخش خدمات (۴)
مولفه‌های توسعه بخش مالی غیربانکی						
۴/۵	۱۶/۰	۱۷/۵	۱۷/۶	۲۶/۶	۲۷/۶	نسبت ارزش جاری بازار به تولید ناخالص داخلی (۴)
۰/۳	۲/۵	۲/۵	۳/۰	۷/۱	۵/۹	نسبت ارزش معاملات به تولید ناخالص داخلی (۴)
-۴/۷	۱۷/۰	۱۵/۴ ^(۳)	۱۵/۶	۲۷/۷	۲۹/۳	نسبت فعالیت
۳/۲	۱/۱۷	۱/۱۷	۱/۱۶	۱/۱۹	۱/۱۳	ضریب نفوذ بیمه (۴)
						سهام ارزش افزوده خدمات موسسات مالی در ارزش افزوده
-۲/۷	۱۰/۴	۱۲/۶	۱۰/۳	۱۳/۴	۱۵/۶	خدمات موسسات پولی و مالی (به قیمت‌های جاری) (۴)
مولفه‌های توسعه بخش پولی و کیفیت سیاست‌گذاری پولی						
۴/۵	۵۶/۸	۵۶/۸	۴۹/۷	۴۷/۱	۴۶/۸	عمق مالی (۴)
-۱۵/۲	۶/۲	۷/۹	۴/۹	۱۳/۴	۱۲/۹	مانده اوراق مشارکت بانک مرکزی به پایه پولی
-۱۳/۰	۹/۲	۱۰/۱	۱۰/۴	۱۲/۰	۱۴/۸	کنترل اعتبارات (سهام مانده تسهیلات تبصره‌ای در مانده کل تسهیلات)
-۲۳۵/۴	-۶/۴	۲/۰	۵/۵	۰/۹	۱/۳	آزادی نرخ سود تسهیلات (۵)
۱۰/۸	-۶/۷	-۱/۰	۱/۴	-۳/۳	-۳/۹	آزادی نرخ سود سپرده‌ها (۵)
-۷/۶	۰/۷	۰/۹	۱/۵	۳/۷	۲/۸	سهام اوراق مشارکت دولتی - بودجه‌ای در تامین مالی دولت

۱- از متوسط استمراری استفاده شده است.

۲- فقط شامل بانک‌های دولتی است.

۳- رقم اصلاح شده است.

۴- براساس ارقام تجدید نظر شده تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ اصلاح شده و مقدماتی است.

۵- ارقام فقط شامل بانک‌های دولتی است و نرخ تورم شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳ مورد استفاده واقع شده است. همچنین، نرخ سود تسهیلات عقود مبادله‌ای مبنای محاسبه قرار گرفته است.